

مطالعه تطبیقی یک شباهت میان رشته ای: سینما و معماری

محمد ایرانمنش^۱، جواد رسولی^{۲*}

۱. استادیار دانشکده هنر و معماری صبا، آدرس: میدان پژوهش - دانشگاه شهید باهنر کرمان mhmd14@uk.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشکده هنر و معماری صبا، آدرس: میدان پژوهش - دانشگاه شهید باهنر کرمان
javad.rasooli91@gmail.com

چکیده

در طول زمان نظریه پردازان دنیای معماری از اندیشه های صاحب نظران سایر علوم و هنر ها در جهت استعلای آثارشان یاری جسته اند و ارتباطی میان رشته ای را پدید آورده اند. در این میان سینما بعنوان هنری که می تواند همانند منبعی یاری گر معماران در فرآیند طراحی باشد بویژه در ایران مغفول مانده است. لذا این نوشتار تلاشی است در جهت اجرای یک مطالعه ی تطبیقی و روشن نمودن ابعادی از ارتباط سینما و معماری که بتوان از آن در راستای بهبود بخشی به فرآیند طراحی و محصول آن یعنی اثر معماری بهره جست. آن چیزی که ضروری می نماید شناخت وجوه مشترک بنیادین دو حوزه است. این پژوهش با تکیه بر تحلیل های منطقی و کیفی و همچنین با استفاده از منابع کتابخانه ای و آرشیوهای سینمایی این وجوه را برای خواننده نمایان ساخته است. پس از حصول شناخت لازم از مشترکات و چگونگی کارکرد آنها، روندی تدوین شده است که بوسیله ی آن بتوانیم با نگاهی معمارانه به مصداق های سینمایی بنگریم. در انتها الگویی جهت بهره گیری از دنیای سینما در راستای غنای معماری ارائه شده است تا بواسطه ی آن معماران بتوانند به گونه ای راهکار محور و شفاف بین دو حوزه ارتباط برقرار کنند.

واژه های کلیدی: سینما، معماری، سناریو، نشانه شناسی، مباحث میان رشته ای

۱- مقدمه

مباحث میان رشته ای همواره سهم قابل توجهی در تولید نظریات و آثار دنیای معماری داشته اند. پژوهشگران ارتباطات معماری با سایر هنرها نظیر هنرهای تجسمی، موسیقی، گرافیک، هنرهای نمایشی و... را پیگیری نموده اند و کم و بیش به توفیقاتی نیز دست یافته اند. این نوشتار نیز در باب یکی از مباحث میان رشته ای مطرح شده است و می خواهد بگونه ای دقیق و روشن رابطه ی میان معماری و سینما را بیان نماید. آنچه که مد نظر این پژوهش است تنها مشخص نمودن رابطه ی میان سینما و معماری و صحبت کردن از وجوه مشترک نیست، چراکه این موضوع حدودی از مشترکات دو حوزه را مشخص می کند اما آنچه حائز اهمیت است پاسخ به پرسش هایی از این دست است که: چگونه می توان از سینما برای طراحی معماری وام گرفت؟ آیا مطالعه و تحلیل آثار سینمایی می تواند به قوام و شکل گیری ایده ای در ذهن معمار و طراح منجر شود؟ یک معمار چه منطق تحلیلی را باید برای مطالعه یک اثر سینمایی پی گیرد؟ آیا می توان مصداق معماری را مبتنی بر مصداق سینمایی خلق نمود بگونه ای که از هر دو مفاهیم و احساس های مشابهی استنباط شود؟ (چطور می توان از یک اثر سینمایی طنزآمیز به اثر معماری دست یافت که رگه هایی از طنز را در خود جای داده است؟). چه ارتباطات بیانی میان این دو حوزه وجود دارد و چگونه می توان از این ارتباط برای خلق آثار معماری استفاده کرد؟ پاسخ به این پرسش ها با تبیین حدودی از مشترکات میان دو حوزه امکان پذیر نیست بلکه در کنار آن نیازمند یک چارچوب تحلیلی است که در آن مصداق سینمایی از منظر یک معمار باید نقد و تحلیل گردد و پس از حذف زوائد، طراح بتواند به اصولی دست یابد که از آنها در روند طراحی خود استفاده کند. بنابراین باید